

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[روزنامه: سحر]

[تاریخ: سه شنبه ۱۴ آذر ماه ۱۳۳۴ - ۶ دسامبر ۱۹۵۵ - ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۷۵]

[شماره: ۲۶]

فدائیان اسلام از من چه میخواستند؟

در دوشماره گذشته مقدمات و مذاکرات بدوی با آقای واحدی را خواندید و اینک بقیه جریان مذاکرات: آقای واحدی در مقابل سوال من که چه توهینی بحضرت آیت الله بروجردی شده شماره ششم روزنامه سحر را باز کرد و عبارت ذیل را که در کادر نوشته [شده بود] نشان داد:

صاحباً: امر آنجناب ابلاغ شد [حقیر] آنچه در قوه داشت برای روشن کردن آتش سعی بلیغ نموده ... اما فی الحال پا را نمیتوان جلوتر گذاشت. دو ماهی فرصت لازم که مطلب تازه پیش کشم و باز آتش را تیز گردانم - رجاء واثق دارم مرحمتی را بصورت کاغذ نفرستید که تبدیل آن صعوبت دارد. ...

من از دیدن عبارات فوق تعجب کردم که چرا این عبارات را بمن نشان میدهند. پرسیدم خوب این عبارات چه ارتباطی به حوزه علمیه قم و حضرت آیت‌الله بروجردی دارد؟ گفتند این توهینی است که بایشان شده است. ... من با تعجب غیر عادی که معلوم بود او را هم به سختی تحت تأثیر قرار داد گفتم ... مقصود از این جمله ... معرفی افراد روحانی نمای اغتشاش طلبی هستند که عوامل خارجی میباشند و میدانید در این روزها موضوع بهائی‌گری را فرصتی شمرده مثل قارچ در هر گوشه‌ای سبز شده‌اند. گفت ...

ولی البته ما از شما خواستاریم ... که بعد از این راجع باین موضوع بهائی‌ها هم چیزی ننویسید...

بایشان گفتم ... من هم مسلمانم ... و عقیده‌ام این است که هر فرد متمدنی موظف است در راه آزادی عقیده و فکر منتهای کوشش خود را اعمال نماید و ... باین جهت است که با این طرز مبارزه با بهائیها که مخالف آزادی عقیده و اعلامیه حقوق بشر و قانون ایران است مبارزه میکنم... گفتند حضرت آیت‌الله - بروجردی امر فرمودند گفتم من در امریه حضرت آیت‌الله بروجردی ندیدم که اجازه فرموده باشند مردم به خانه بهائی‌ها بریزند آنها را غارت [کنند] یا بکشند یا مردم را از معاشرت با بهائیها و خرید و فروشی مانع شوند و کار بجائی برسد [که] قوای انتظامی محل اجتماع آنها را برای جلوگیری از اغتشاش مردم اشغال نماید.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]